

دکتر محمد امیر شیخ نوری *

ساختر دولت نوین لبنان

مقدمه:

تشکیل دولت جدید لبنان مسلماً "ارتباطی به ریشه، تاریخی آن ندارد، بلکه دولتی است با مرزها و حاکمیت صوری که با توجه به اهداف دول اروپایی به وجود آمده است. در خاور میانه دو دولت لبنان و اسرائیل تشابهات زیادی دارند، بدین ترتیب که:

۱- در هر دو یک اقلیت خارجی به کمک دول اروپایی استقرار یافته است: اقلیت مسیحی در لبنان و اقلیت یهود در فلسطین.

۲- هر دو تحت حمایت کشورهای اروپایی قرار می‌گیرند. لبنان تحت حمایت فرانسه و یهود تحت حمایت انگلستان.

۳- از هر دو به عنوان پایگاهی در جهت حفظ منافع در منطقه بهره برداری می‌شود.

اما اختلافاتی نیز وجود دارد که از همه مهم‌ترین که یهودیان به کمک انگلستان و امریکا موفق می‌شوند دولتی را در فلسطین ایجاد کنند ولی مسیحی‌ها تحت قیمومیت فرانسه به انجام این کار موفق نمی‌شوند. خاور میانه یکی از مناطق مورد منازعه و کشمکش دولتین انگلستان

* عضو هیأت علمی گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تبریز.

و فرانسه در قرن هیجدهم بود، چراکه هر دو می خواستند برهندوستان تسلط داشته باشند و این امر منشاء تمام حوادث ناگوار برای کشورهای منطقه به حساب می آید. انگلستان از اواسط قرن هیجدهم برهندوستان تسلط پیدای می کند و موقعیت خود را مستحکم می نماید، اما حملۀ ناپلئون در سال ۱۷۹۸ به مصر، این موقعیت را متزلزل می سازد. ناپلئون با تصرف مصر بر امکانات زیادی دست می یافت^(۱): نخست اینکه صاحب مستعمره ای ثروتمند می شد. ثانیاً "موقعیت او در انتهای شرقی مدیترانه تحکیم می گردید و از آنجایی توانست امپراتوری عثمانی را مورد حمله قرار دهد. ثالثاً "با مختل کردن خطوط ارتباطی انگلیس با هند، ضربه بزرگی را بر این کشور وارد می کرد. رابعاً "برای تحقق بخشیدن به رؤیای دیرین خود - تسلط بر هند - پایگاه مناسبی به دست می آورد.

این شرایط به دنبال زوال قدرت امپراتوری عثمانی که بر منطقه تسلط داشت به وجود می آید و "گسترش جاه طلبی و رقابتهای قدرتهای اروپایی زمینه را برای ایجاد نقشه سیاسی نوین فراهم می سازد" (۲) نتیجه آنکه حاکمیت های سیاسی به وجود آمده در راستای تأمین منافع دول قدرتمند می باشند. بطوریکه لفظ "دولت ملی" در مورد آنها صدق نمی کند، چراکه به معنای واقعی کلمه "خودی" نیستند. رابطه بازتولید ادغام شده در بازار جهانی، که اساس فرآیندهای اجتماعی این کشورها را تشکیل می دهد به مراتب از چارچوب ملی فراتر می رود و بنابراین دیگر نمی توان آنرا به عنوان جامعه "متعلق" به دولت تلقی کرد. (۳)

بنابراین تعریف متداول "دولت مستقل ملی" دولتی است که بتواند استقلال خود را در مقابل دولتهای خارجی حفظ کند و در مقابل تمام گروههای اجتماعی و درسراسر قلمرو خود، مرکزیت سیاسی با نفوذی به وجود آورد. در این گونه جوامع فقدان پیش شرطهای اقتصادی و اجتماعی لازم نه تنها پیدایش چنین دولتی را مانع می شود، بلکه موجب آن می گردد که محیط سیاسی و اقتصادی از حداقل همگونی لازم برخوردار نباشد

و نهادهای سیاسی و فرآیندهای اقتصادی بریک جامعه واحد تکیه نداشته باشد^(۴). به این ترتیب جریانهای سیاسی و سمت گیریهای اقتصادی به هیچ وجه منعکس کننده نیازهای داخلی نیستند و بقول یکی از داستانهای هزار و یکشب، جامعه همچون مجسمه به سنگ مبدل می شود داستان از این قرار است که شهرزاد قصه گو برای پادشاه، همسر خود، حکایت یکی از کشتی نشستگانی را نقل می کند که پس از غرق شدن کشتی، در ساحل خالی از سکنه ای از خواب بیدار و به سوی شهری روان می شود که دروازه آن را بازمی یابد، قراولان که یخ زده بودند، بدون کمترین توجه و اعتنایی به وی، او را اجازه عبور می دهند. وقتی وارد می شود از نخستین عابری که می بیند، سئوالاتی می کند، اما آن مرد عابری آنکه حرکتی کند، پاسخ اورایی جواب میگذارد. کمی دورتر دسته های مردم را می بیند که بی حرکت برجای خود ایستاده و کوچکترین حرکتی از خود نشان نمی دهند، سکوت مرگباری که بر سراسر شهر حکم فرما بود، مردنجات یافته از کشتی غرق شده را نگران می سازد، و هنگامیکه در می یابد تمام سکنه شهر همچون مجسمه به سنگ مبدل شده اند، وحشت سراسر وجودش را در بر می گیرد.....^(۵) هدف این نوشته این است که از نظر تاریخی مکانیسم این روند را مشخص نمائیم و ببینیم به چه نحوی آن جادوگر جامعه را تبدیل به سنگ کرده و آنرا بی حرکت و راکد نموده است.

۱) ویژگیهای جغرافیایی - اجتماعی

لبنان در سواحل شرقی مدیترانه و بین سوریه و فلسطین قرار دارد^(۶). دارای ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت و طبق سرشماری ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ه. ش)، ۳،۰۹۰،۰۰۰ نفر جمعیت می باشد. پایتخت آن بیروت و واحد پول کشور لیره لبنانی است^(۷).

لبنان در اصل دورشته کوه تقریباً " موازی دارد، جبل لبنان (واژه عربی لبنان به معنی سفید است و اشاره به کوه پوشیده از برف دارد).

و جبل الشریک (جبل لبنان شرقی یا کوه حرمون) که دره وسیع و عمیق بقاع آنها را از یکدیگر جدا می‌کند. جبل لبنان دراصل یک فلات آهکی است. بر روی این فلات چند قله (تا ۳۰۸۳ متر) وجود دارد که در بیشتر ایام سال پوشیده از برف است (۸).

آب و هوای لبنان مدیترانه‌ای است و به لحاظ موقعیت جغرافیایی از دیرباز دروازه آسیای غربی نامیده شده است (۹).

اکثریت جمعیت لبنان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، اما مسیحیان به‌خاطر اینکه به‌عنوان بزرگترین اقلیت شناخته شوند همیشه از دادن آمار دقیق خودداری کرده‌اند و این خود دلیلی است بر در دست نبودن آمار جمعیت دقیق این سرزمین. با توجه به این نکته مسیحیان همیشه جمعیت خود را بیشتر از مسلمانان ذکر می‌کرده‌اند. در سرشماری ۱۹۳۲ که لبنان تحت قیمومت فرانسه قرار داشت مسیحیان ۵۲ درصد جمعیت را بخود اختصاص داده بودند در صورتیکه مسلمانان ۴۵/۵ درصد را. جدول زیر اقلیت های قومی - مذهبی لبنان را بر حسب درصد کل نشان می‌دهد.

سرشماری لبنان در سال ۱۹۳۲ (۱۰) (اقلیت) درصد جمعیت تعداد

۲۶۱/۰۴۳	%۳۰	۱- مارونی‌ها
۹۰/۲۷۵	%۱۰	۲- ارتدکس های یونانی
۵۲/۶۰۲	%۶	۳- کاتولیک‌های یونانی
۳۴/۲۹۶	%۴	۴- آرامنه
۱۴/۰۶۵	%۲	۵- فرقه‌های دیگر
۴۵۲/۲۸۱	%۵۲	جمع مسیحیان
۱۸۲/۸۴۲	%۲۱	۱- سنی
۱۵۸/۴۲۵	%۱۸	۲- شیعه
۵۶/۸۱۲	%۶/۵	۳- دروز
۳۹۸/۰۷۹	%۴۵/۵	جمع مسلمانان
۱۰/۴۶۹	%۱	یهودیان
۸۶۰/۸۲۹		کل

به گفته جرال بلیک* ، این ارقام نمی‌تواند درست باشد زیرا تعداد زیادی از مسیحیان از کشور مهاجرت کرده‌اند. برعکس نه تنها شمار کمتری از مسلمانان به‌خارج مهاجرت نموده‌اند بلکه میزان تولد در میان آنان بیشتر از مسیحیان است و دلیل عمده آن پایین بودن سن متوسط ازدواج می‌باشد (۱۱).

طبق آمار سال ۱۹۶۰ شمار مهاجران لبنانی ۱/۲ میلیون نفر بود که از این میان ۴۰،۰۰۰ نفر در ایالات متحده ، ۳۵۰،۰۰۰ نفر در برزیل ، ۲۰۰،۰۰۰ نفر در آرژانتین ، ۱۵۰،۰۰۰ نفر در دیگر کشورهای امریکای لاتین و ۴۰،۰۰۰ نفر در آفریقا می‌زیستند (۱۲). این واقعیت در آمار مربوط به ۱۹۸۰ گویاتراست بطوریکه مسلمانان ۶۰ درصد و مسیحیان ۴۰ درصد جمعیت لبنان را به خود اختصاص داده‌اند.

جوامع مذهبی در لبنان (۱۹۸۰) (۱۳)

۶۰ درصد	کل مسلمانان
۲۶ درصد	سنی
۲۷ درصد	شیعه
۷ درصد	دروز (۱۴)
۴۰ درصد	کل مسیحیان
۲۳ درصد	مارونی
۷ درصد	ارتدکس یونانی
۵ درصد	کاتولیک یونانی
۵ درصد	سایر مسیحیان

به قول تیری دژاردن* " در کتاب صد میلیون عرب " همه می‌دانند که

* GERALD, BLAKE

* THIERRY DESJARDINS

امروزه مسیحیان در لبنان به اقلیت تبدیل شده‌اند (۱۵).

باتوجه به آمار و ارقام اقلیت‌ها ذکر این نکته ضروری است که لبنان از نظر تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متعلق به جهان عرب می‌باشد و اقلیت‌های مسیحی از خارج به این کشور مهاجرت کرده‌اند و به مرور زمان باتوجه به حمایت دول اروپایی و تسلط دو قرن صلیبیون بر منطقه آنان، به صورت یک قدرت برتر درآمده‌اند. به عنوان مثال:

۱- جامعه اصلی مسیحی لبنان یعنی مارونیها، پیروان مارون زاهد می‌باشند که در قرن پنجم میلادی در انطاکیه (ترکیه امروز) به موعظه و تبلیغ مشغول بود. بر اثر فشارهای امپراتوری بیزانس به سه طرف کوه‌های شمال لبنان سرازیر شده و در آن حدود پراکنده می‌شوند و در جریان جنگ‌های صلیبی با فرانسویان ارتباط برقرار کرده و از حمایت آنان برخوردار می‌گردند (۱۶).

۲- ارتدکس‌های یونانی هم پس از آخرین شکست صلیبیون که یونانیان از آنان حمایت کرده بودند، در اثر آزار و اذیت‌هایی که بر آنان روا می‌شد، از سوریه و فلسطین به لبنان پناهنده شدند (۱۷). بعداً، در سال ۱۷۰۹ میلادی تعدادی از ارتدکس‌های یونانی، رهبری کلیسای روم را قبول می‌کنند و شاخه منشعب شده کاتولیک‌های یونانی را تشکیل می‌دهند.

۳- اقلیت ارمنی هم جدیداً به لبنان مهاجرت کرده‌اند، به این ترتیب که این اقلیت در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ باتوجه به سلطه عثمانیها، به طرف لبنان کوچ می‌کنند. مخصوصاً بعد از ۱۹۲۹ که سیاست ترکی کردن کمال آتاتورک را نمی‌پذیرند و تعدادی در لبنان مستقر می‌شوند (۱۸).

۲) سابقه تاریخی

ریشه لبنان را فینیقیها تشکیل می‌دادند که به عنوان دریانوردان

بی باک و بازرگانان فعال شهرت داشتند. نام فینیقیّه به حاشیه باریک ساحلی سوریه که از صور در جنوب تا اوگاریت در شمال کشیده شده است اطلاق می‌گردد (۱۹).

فینیقیها که از نژاد سامی بوده و به زبان سامی تکلم می‌کردند در حدود سه هزار سال پیش از میلاد با مهاجرین آموری و کنعانی به نواحی شرقی مدیترانه مهاجرت کرده و در حدود شام و اراضی ساحلی مدیترانه مستقر شدند. در هزاره سوم کاروانها و کشتی‌ها و سپاهانی که از طرف زمامداران بین‌النهرین و مصر به این حدود اعزام می‌شدند مردم این نواحی را بسه نام آموری یا آمو AMOU یاد می‌کردند و به هیچ وجه صحبتی از فینیقیان نبود (۲۰). بنابراین نام فینیقی کلمه‌ای قراردادی است که از طرف مورخان یونانی به کار گرفته شد و از زمان هومر* معمول گردید.

"بزرگترین دست آورد فرهنگی فینیقی‌ها، ابداع و ترکیب یک خط الفبائی است که بدون تردید نتیجه مستقیم تکامل سریع تجارت و نیاز روزافزون به نوشتن اسناد تجاری بود. فینیقی‌ها با استفاده از حروف هیروگلیف مصری و حروف میخی بابلی‌ها، الفبائی مرکب از ۲۲ حرف به وجود آوردند. این الفبا بعدها نمونه‌ای برای الفبای یونانی و از آن طریق برای بسیاری از الفباهای جهان گردید (۲۱)".

یونانیها از فینیقی‌ها حروف هجای مضمت را فراگرفته و خود مصوتهایی بر آنها افزودند، و آن را به صورتی درآوردند که قدرت ثبت اندیشه‌های فلسفی را پیدا کرد. و همین الفبای نسبتاً "کامل در پیشبرد فرهنگ یونان سهم بسزایی داشت (۲۲)".

اسکندر مقدونی در ۳۳۳ قبل از میلاد لبنان را متصرف می‌شود. رومیان در سال ۶۴ قبل از میلاد آنرا تحت سلطه خود قرار می‌دهند و پس از آن، این سرزمین جزو امپراتوری بیزانس می‌شود. اعراب در قرن هفتم

* HOMERE

میلادی این منطقه را پس از شکست رومیان ، فتح می کنند. " بدین سان سراسر سوریه از شمال تا جنوب میان سالهای ۱۲ تا ۱۹ هجری (۶۲۳ - ۶۴۰ میلادی) به اطاعت مسلمانان درمی آید (۲۳) .

این سرزمین از قرن یازدهم تا سیزدهم به دست صلیبیون اقتدار و صلیبیون از ۴۹۶ تا ۶۸۸ ه . ق . دولت مسیحی طرابلس را تشکیل دادند (۲۴) و سپس به تصرف مالیک که در مصر قدرت را در دست گرفته بودند درآمد.

۳) تسلط ترکان عثمانی و آغاز کشمکش های قومی

سلطان سلیم در ۲۴ اوتگوست ۱۵۱۶ (۹۲۲ ه .) در نبردی که به مرج دابق معروف است (مرج دابق به فاصله یک منزلی شمال حلب) مالیک را شکست داده و متصرفات آنها را در شامات ضمیمه امپراتوری عثمانی نمود. با توجه به عملکرد بد مالیک، مردم از سلطان سلیم به عنوان نجات بخش آنان از شر مالیک استقبال نمودند (۲۵).

زمانی که جنگ بین ترکان عثمانی و مالیک بر سر سوریه ادامه داشت فخرالدین حاکم لبنان از طرفداران خود خواسته بود منتظر بمانند تا وضع روشن گردد و به گروه پیروز بپیوندند. وقتی سلطان سلیم ظفر یافت فخرالدین با سران لبنانی که طرفدار او بودند آمد و در حضور سلطان فاتح زمین را بوسید و سخنان گرم و حماسی گفت که سلطان خشنود شد و امارات او را نگهداشت و او همه امیران و شیوخ دیگر را در تیولشان باقی گذاشت. (فخرالدین از قبیله معنی یا معان یکی از قبایل عربی بود) (۲۶).

لبنان تحت حاکمیت ترکان عثمانی نوعی امیرنشین خود مختار و امیران " معنی " در دوران اوج خود یعنی حکومت فخرالدین (۱۶۲۵ - ۱۵۸۵) دارای مشخصاتی به شرح زیر بود (۲۷):

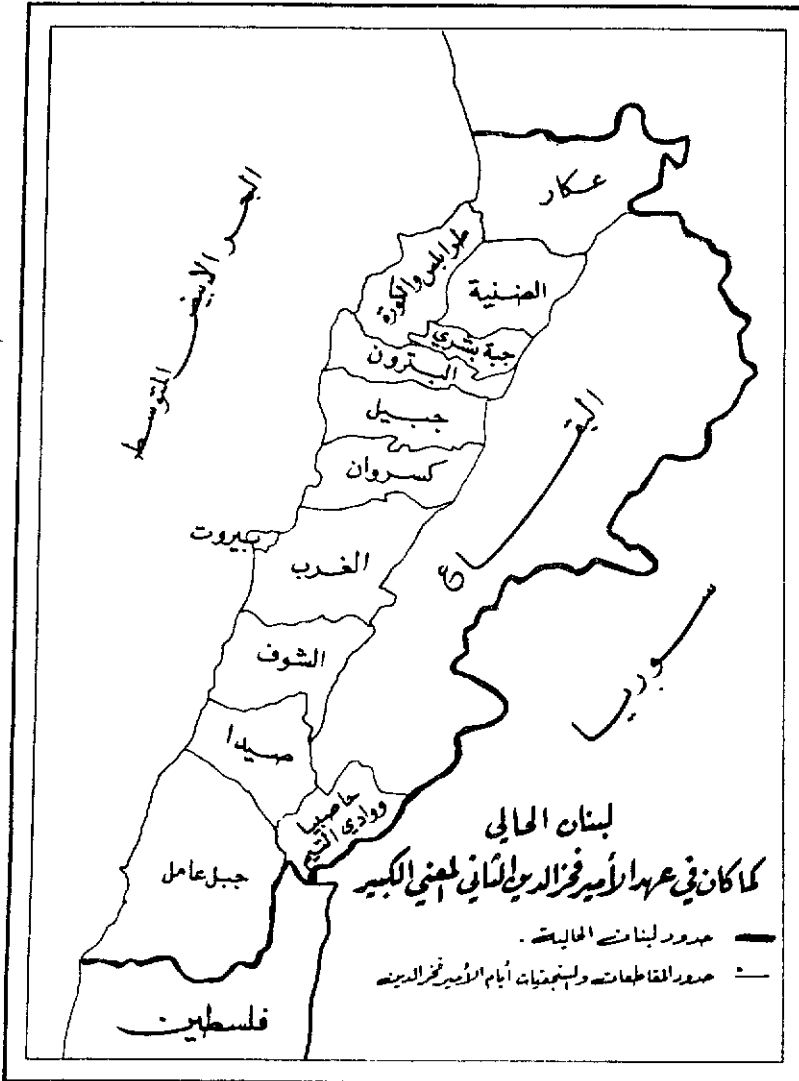
- ۱- خودمختاری واقعی در چهارچوب امپراتوری عثمانی
- ۲- همکاری میان دروز و مارونی که از مقررات شدیدارتباطات مذهبی رایج در منطقه فراتر می رفت.

۳- توسعهء قلمرو امیر به قسمت های دیگر امپراتوری عثمانی

درس — وریه .

۴- توسعه روابط لبنان با اروپای کاتولیک

نقشهء زیر حدود حاکمیت فخرالدین را نشان می دهد:



هنگامی که سلسله امیران معنی در ۱۶۹۷ میلادی به پایان رسید و آرزوی فخرالدین مبنی برایجاد لبنان بزرگ و مستقل عملی نشد، حکومت لبنان در اختیار خاندان شهابی قرار گرفت. شهابیان از اعقاب قریش معروفترین قبایل عرب بودند (۲۸).

سه واقعه مهم وجه تمایز دوران شهابیان با سایر دوره‌های باشد: اول اینکه در این دوره قیامهای متعددی علیه عثمانیها و شهابیها صورت می‌گیرد تا جایی که بشیرشهابی مجبور به فرار از کشور می‌گردد و به مصر پناهنده می‌شود. اوج قیام، سال ۱۸۲۰ می‌باشد که مردم لبنان در نتیجه عملکرد نادرست بشیر شهابی علیه او شورش می‌کنند. از اقدامات بشیر شهابی اولاً " غربی کردن لبنان بود که این کار نیاز به بودجه داشت و در نتیجه، فشار مالیاتها دهقانان را آماده قیام می‌کند. ثانیاً " چون این حکومت مستقل نبود، از قدرتهای بزرگی که طبعاً " خواهشان اصطلاحات بنیادی نبودند تبعیت می‌کرد جامعه دستخوش بحران می‌گردد. به این ترتیب یک قیام عمومی علیه بشیرشهابی شکل می‌گیرد که همه اقشار جامعه در آن شرکت دارند. ویژگیهای این قیام را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد (۲۹):

- ۱- این قیام یک قیام سازماندهی شده بود.
 - ۲- رؤسای محلی بارهبران مذهبی، رهبری قیام را در دست داشتند.
 - ۳- کلیسا و دهقانان به سبب همسو بودن اهداف شان در مبارزه علیه فشارهای اجتماعی موجود همکاری داشتند.
- دوم اینکه در ۱۸۳۲ لبنان از طرف خاندان حاکم بر مصر یعنی محمد علی اشغال می‌شود و بشیر شهابی دوباره تحت سرپرستی مصر حکومت را در اختیار می‌گیرد. نکته سوم اینست که شاهد ورود فعالانه دول اروپایی در منطقه و در لبنان هستیم که از این اوضاع به نفع خود استفاده نمودند تا جایی که از سال ۱۸۴۰ به بعد این اروپائیان بودند که سیاست و حاکمیت لبنان را تعیین می‌کردند هر چند که این کشور ظاهراً " و اسماً " تحت حاکمیت

عثمانیها قرار داشت. نکته مهم دیگر این که عثمانیها به خاطر تسلط کافی و بهره برداری کامل از لبنان فرقه‌گرایی را که زمینه اجتماعی داشت تقویت نمودند و به منظور ایجاد اختلاف بین مسلمانان و مسیحیان، هرکدام را به عنوان یک ملت جداگانه به رسمیت شناختند. اروپائیان نیز که با توجه به این زمینه بهتری توانستند منافع خود را حفظ کنند، فرقه‌گرایی را تقویت نموده و از فرق موجود، بخصوص مارونیها، به عنوان پایگاه استفاده می‌کردند.

بنابراین فرقه‌گرایی و اختلافات قومی و مذهبی نتیجه عملکرد امپراتوری عثمانی و همچنین دول اروپایی می‌باشد. بطوریکه قبلاً از استعمارگران " این فرقه‌ها با هم اختلافی نداشتند. مسیحیان، دروزیها و شیعیان با هم زندگی می‌کردند و در صلح و آرامش به سر می‌بردند (۳۰) " .

اولتیماتوم وصف آرایبی قدرتهای اروپایی مصر را مجبور کرد تا نیروهای خود را از لبنان و سوریه خارج کند. با خارج شدن نیروهای مصری و انقراض خاندان شهابی (۱۸۴۱) لبنان به مدت بیست سال دچار بحرانهای سیاسی و اجتماعی گردید که در نهایت با دخالت اروپائیان به نفع آنها خاتمه یافت. " دخالت فرانسه و فشار دول اروپایی باعث ایجاد حکومت خود مختار لبنان در داخل امپراتوری شد. در این حکومت مسیحیان اکثریت قاطع را داشتند و این مرهون حمایت دول اروپایی بود (۳۱) " .

۴) نفوذ اروپائیان و تشدید خشونت‌های قومی و مذهبی

هنگامی که دول اروپایی قصد ورود به خاورمیانه را داشتند، این منطقه تحت سلطه امپراتوری عثمانی بود. لذا با توجه به قدرت امپراتوری عثمانی، دول اروپایی ابتدا به بهانه عقد قراردادهای تجاری وارد این منطقه می‌شوند و به تدریج با ضعف امپراتوری عثمانی، قدرت بیشتری به دست می‌آورند.

فرانسویان در این مورد پیشقدم شدند و از امپراتوری عثمانی اجازه گرفتند که با سرزمین های تحت سلطه آن ارتباط تجاری برقرار نمایند، ضمناً طبق این قرارداد از حق کاپیتولاسیون هم برخوردار بودند. انگلیسی ها و ونیزیها دول اروپایی دیگری بودند که موفق به کسب چنین امتیازاتی از عثمانی می شوند. " طبق این قرارداد، اروپائیان از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی معاف بودند. دیگر اینکه مأمورین عثمانی نمی توانستند به منازل افراد خارجی وارد شوند، اگرچه در این منازل جنایتی به وقوع پیوسته باشد. مأمورین عثمانی برای تحقیق هم نمی توانستند داخل منازل شوند، مگر اینکه کنسولگری های خارجی در قضیه دخالت نماید (۳۲). "

انگلستان اولین قدرت اروپایی بود که در سال ۱۸۳۵ میلادی ارتباط دریایی با منطقه را برقرار نمود، کشتی های انگلیسی از لیورپول به اسکندریه و آنجا به بیروت رفت و آمد می نمودند و کالاهای انگلیسی را وارد منطقه کرده و کالاهای مورد نیاز انگلستان را از منطقه خارج می کردند.

فرانسه نیز به نوبه خود از ۱۸۳۵ میلادی با منطقه ارتباط دریایی برقرار نمود. مسیر این ارتباط از بندر ماری در فرانسه شروع می شد و از طریق اسکندریه در مصر به بیروت در لبنان منتهی می گردید. برقراری ارتباط دریایی امکان تماس بیشتر قدرتهای اروپایی را فراهم می ساخت، بطوریکه در سال ۱۸۶۶ تقریباً " ۴۰۰،۰۰۰ تن محموله دریایی از بیروت به اروپا حمل گردید (۳۳).

با توجه به آمار، صادرات و واردات لبنان سال به سال افزایش قابل ملاحظه ای می یابد، صادرات از قبیل حبوبات، زیتون، مسوز و بخصوص ابریشم طبیعی می باشد و واردات آنرا محصولات ساخته شده دول اروپایی تشکیل می دهد. بطوریکه از سال ۱۸۴۰ به بعد کالاهای ساخته شده وارداتی کاملاً جای کالاهای داخلی را می گیرد.

جدول زیر این افزایش را نشان می‌دهد. صادرات لبنان از سال ۱۸۲۵ تا ۱۸۶۲ یعنی در مدت ۳۷ سال ده برابر می‌شود و واردات آن در همین مدت ۸ برابر می‌گردد (۳۴).

تجارت بیروت

سال	صادرات	واردات
1825	3,995,645 francs	5,907,873 francs
1826	2,000,565	2,812,340
1827	3,721,215	5,068,162
...		
1833	5,868,190	11,185,524
1834	8,316,568	11,955,750
1835	7,067,729	12,048,482
1836	9,046,388	16,517,512
1837	6,356,218	11,712,405
1838	10,069,047	15,429,834
...		
1841	15,369,489	19,747,158
1842	16,013,000	28,401,000
1843	16,800,000	22,163,000
1844	15,862,000	24,430,000
1845	16,012,000	21,788,000
1846	10,085,180	15,766,560
1847	5,863,000	9,154,000
1848	6,010,675	9,528,206
1849	17,914,835	22,845,675
1850	17,978,842	24,925,700
1851	15,767,550	22,378,397
1852	20,266,860	20,863,881
1853	21,840,402	24,848,740
1854	26,403,480	20,957,422
1855	39,126,620	35,750,341
1856	40,190,246	34,241,214
1857	40,339,900	40,457,990
...		
1862	31,279,000	46,521,000

صادرات و واردات فلزات قیمتی از بیروت (لبنان)

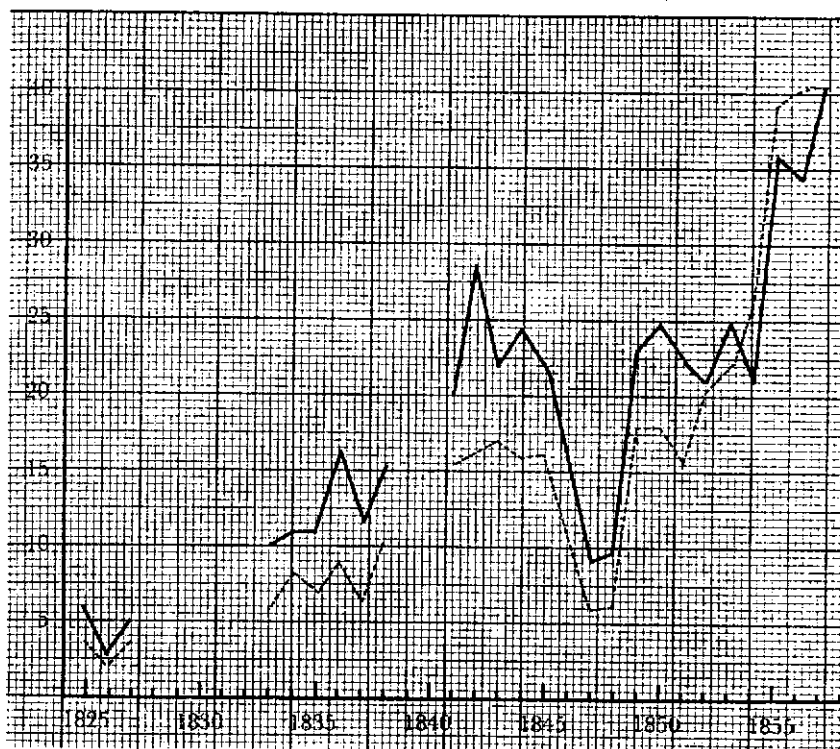
سال	صادرات	واردات
1838	526,083 francs	130,000 francs
...		
1841	7,999,660	308,750
1842	8,712,663	7,211,440
1843	8,336,000	2,776,760
1844	7,816,000	3,635,720
1845	12,076,000	6,020,000
...		
1847	3,295,000	
1848	2,783,965	81,255
...		
1852	4,030,112	5,552,446
1853	7,430,649	3,822,812
1854	5,494,785	4,135,517
1855	6,953,560	9,660,736
1856	7,625,440	7,597,903
1857	6,662,352	6,414,117

"ارزش صادرات و واردات لبنان از ۱۸۲۵ تا ۱۸۵۷" (۳۵)



Value of Beirut Exports and Imports from 1825 to 1857
(Index 100 in 1925)

"تجارت لبنان از ۱۸۲۵ تا ۱۸۵۷"



Trade of Beirut from 1825 to 1857
(Millions of Francs)

Imports —————

Exports - - - - -

در مورد ابریشم طبیعی باید متذکر شد که این محصول مهمترین محصول صادراتی لبنان را تشکیل می‌داد و دولت فرانسه تجارت ابریشم طبیعی را در اختیار گرفته بود. کارخانه‌های لیون احتیاج مبرم به ابریشم طبیعی داشت و این نیاز با توجه به سابقه تاریخی روابط فرانسه با لبنان کوه از جنگهای صلیبی شروع شده بود، تأمین می‌گردید.

دراواخرتسلط عثمانیها بر لبنان یعنی جنگ جهانی اول (۳۶)، از مجموع ۸۰،۰۰۰ هکتار زمین قابل کشت ۳۱۵۰۰ هکتار، یعنی ۴۰٪ زمین های زراعی به کشت درخت توت اختصاص داشت. در نتیجه می توان دو ویژگی مهم برای لبنان برشمرد:

۱- اختصاص یافتن قسمت اعظم زمین های کشاورزی لبنان به کاشت درخت توت که از کشور خارج می شد.

۲- معروف بودن سرزمین لبنان در تولید پبله، کرم ابریشم در تمام منطقه.

باتوجه به این عملکرد، توسعه سرمایه داری اروپائیان زمین ه، انحطاط عرب را تسریع نمود. ابتدا نابودی پیشه وران را فراهم کرد و سپس در اثر سیل ورود فرآورده های پنبه ای انگلیس و فرانسه آنان را به روزگار سیاه نشانید (۳۷).

به این ترتیب دول اروپایی باتوجه به منافع سرشار و ضعف امپراتوری عثمانی از بحران ناشی از اوضاع لبنان استفاده کردند و فعلا نه وارد منطقه شدند. در ۱۸۴۰ قدرتهای انگلستان، اطریش، پروس، روسیه و عثمانی برای دستیابی به اهداف خود پیمانی را بین خود منعقد ساختند و به محمد علی حاکم مصر که از ۱۸۳۲ بر لبنان و سوریه مسلط شده بود اولتیماتوم فرستادند تا نیروهای خود را از سوریه و لبنان خارج نماید. شرایط پیمان لندن به شرح زیر بود: (۳۸)

- ۱- پاشانشین مصر در اختیار محمد علی قرار گیرد.
- ۲- اداره امور فلسطین (پاشانشین عکا) مادام العمر به او واگذار گردد.
- ۳- سرزمین های دیگر به سلطان پس داده شود.
- ۴- در پایان ده روز اگر او پیشنهادهای مذکور را نپذیرفت فقط مصر برای او باقی بماند.

۵- اگر در پایان ده روز دیگر او هنوز به این پیشنهادهای اعتنا باشد با کوشش مشترک دول بزرگ برای سرنگونی او اقدام گردد.

مصر این اولتیماتوم را رد می کند و در نتیجه دول اروپایی مشترکا " نیروهای مصر را از سوریه و لبنان خارج می سازند. این اولین اقدام مشترک و سرآغاز قدرت نمایی اروپائیان در برابر دولت عثمانی بیمارآن روزگار بود. " در اوت ۱۸۴۲ میلادی دول اروپایی تصمیم گرفتند که لبنان را به دو ناحیه تقسیم کنند : قسمتی تحت حکومت یکی از بزرگان دروز و قسمت دیگر تحت فرمان یکی از بزرگان مارونی و این حاکم عنوان قائم مقام داشته باشد. " (۳۹)

در نتیجه، پس از ورود اروپائیان و تحت حمایت آنها قدرت مارونی ها افزایش می یابد و حاکمیت در اختیار آنان قرار می گیرد و این ریشه اختلافات در تاریخ معاصر لبنان می باشد که عامل و مسبب اصلی آن دول اروپایی هستند.

پاشیده شدن تخم نفاق و حمایت دول اروپایی از گروه های متخاصم (فرانسویان از مارونی ها و انگلستان از دروزیها) باعث زدوخوردهای خونین سال ۱۸۶۰ میان دروزیها و مارونیها گردید.

" روز ۲۲ ماه مه ۱۸۶۰ دروزیها و مارونی ها به غارت، آتش زدن و قتل عام یکدیگر پرداختند و فقط در ظرف سه روز ۶۰ دهکده در حومه بیروت با خاک یکسان شد. صومعه ها و مراکز میسیون های دینی کاتولیک را محاصره و طعمه حریق ساختند و کشیشان ساکن آن ها را کشتند. جنگ میان دروز و مارونی به ناپلئون سوم امپراتور فرانسه فرصت داد تا به بهانه دفاع از مسیحیان به آن منطقه نیرو اعزام دارد. مداخله فرانسه مارونی ها را نجات داد. " (۴۰) بیلان، ۱۱۰۰۰ کشته. (۴۱)

برای خاتمه دادن به نزاع های قومی و مذهبی که به تحریک دول اروپایی و با اسلحه آنها شروع شده بود کنفرانس بین المللی مرکب از قدرتهای بزرگ فرانسه، انگلستان، روسیه، اطریش، پروس و عثمانی، نظام سیاسی و اداری تازه ای را در لبنان می پذیرند که مسیحیان در رأس این نظام قرار می گیرند. " به موجب این توافق نامه، اداره جبل لبنان را یک

مسیحی از نزدیکان پادشاه که حکومت عثمانی با موافقت کشورهای اروپایی امضاء کننده پرتکل، آن را منصوب می‌کند بر عهده گرفت، و شش‌و‌هزار اداری مرکب از ۱۲ نماینده از سوی کلیه فرقه‌های لبنانی (۴ نفر مارونی، ۳ نفر دروزی، ۲ نفر ارتدکس، یک نفر کاتولیک، یک نفر سنی و یک نفر شیعه) او را در این کار یاری می‌کنند. (۴۲) این تشکیلات تا جنگ جهانی اول که دول اروپایی رسماً "منطقه را بین خود تقسیم کردند باقی ماند. پس از جنگ جهانی اول و شکست عثمانیها، دول پیروز متصرفات دولت عثمانی را بین خود تقسیم می‌کنند و در ۲۴ آوریل ۱۹۲۵ کنفرانس به اصطلاح صلح در سان رمو* ایتالیا تشکیل می‌شود و رجال سیاسی اروپا قراردادی راجع به قیمومت امضاء می‌کنند. طبق این کنفرانس سوریه و لبنان سهم فرانسه و فلسطین و عراق سهم انگلستان می‌شود. (۴۳)

فرانسه بلافاصله اداره این منطقه را به حاکمی فرانسوی سپرد و شرکت های فرانسوی فعالیت خود را در این دو کشور آغاز نمودند. آتش دشمنی قومی و دینی را دامن زدند، راه را بر تکامل اقتصادی بستند و فرهنگ میهنی و قومی این دو کشور را پایمال ساختند. (۴۴)

قانون اساسی لبنان در ۱۹۲۶ تحت اشغال فرانسه و براساس نمونه سومین قانون اساسی فرانسه وضع می‌شود. و ویژگیهای برجسته آن شامل: نوع حکومت پارلمانی بوده و کشور دارای دو مجلس است. قوه مجریه در دست رئیس جمهور و دولت است (رئیس جمهور از بین مسیحیان انتخاب می‌شود) و دو مجلس عهده دار قوه قضائیه می باشد که مجلس اول همان مجلس نمایندگان است که اعضای آن از طریق رأی گیری عمومی انتخاب می‌شوند، مجلس دوم سناست. قانون اساسی لبنان بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۷، ۶ بار اصلاح شد.

حذف مجلس سنا، تمدید مدت ریاست جمهوری از سه سال به شش سال، حذف کرسی های انتصابی در مجلس نمایندگان به گونه ای که کلیه نمایندگان از طریق انتخابات به مجلس راه پیدا کنند. (۴۵)

در جنگ جهانی دوم با توجه به اشغال فرانسه توسط آلمان و موج استقلال خواهی کشورهای تحت سلطه فرانسه، به لبنان وعده استقلال می دهد. در نتیجه انتخابات پارلمانی لبنان در اوت ۱۹۴۳ برگزار می شود. "در نوامبر ۱۹۴۳ پارلمان لبنان قیومست فرانسه بر لبنان را باطل و زبان فرانسه را که به عنوان زبان رسمی کشور اعلام شده بود لغو می کند". (۴۶) در همان ماه پرچم جمهوری لبنان به اهتزاز در می آید و این روز، جشن میهنی مردم لبنان و جشن استقلال نامیده می شود. پیمانی میان نماینده مسیحیان (شیخ بشاره الخوری) و نماینده مسلمانان (ریاض الصلح) در باره نهادهای بنیادی ساختمان لبنان مستقل و شیوه اداره آن بسته می شود و این همان چیزی است که امروز "منشور ملی" نامیده می شود و بر پایه های زیر استوار است: (۴۷)

- ۱- لبنان کشوری است مستقل و حاکم بر سرنوشته خویش. مسیحیان باید از جست و جوی سرپرستی بیگانگان یا کوشش برای بازگرداندن نفوذ آنان خودداری کنند و بر مسلمانان است که برای یکی کردن لبنان با سوریه یا هیچ کشور عرب دیگر، دست به هیچ کاری نزنند.
- ۲- لبنان کشوری عربی و پاره ای از جهان عرب، همراه با نشانه های ویژه خویش است. با این حال این کشور پیوندهای فرهنگی و روانی خود با غرب را نخواهد برید، با کشورهای عرب همکاری خواهد کرد و اگر آنها استقلال و سروری آن را در درون مرزهای پایدارش بشناسند، خود را عضو خاندان عربی خواهد شمرد. ولی باز لازم خواهد بود که از پیوستن به این یا آن اردوگاه عرب خودداری ورزد و هیچ کدام را بردیگری نشوراند.
- ۳- مناصب دولتی، بطور مساوی میان طایفه های موجود تقسیم خواهد شد لیکن به هنگام سپردن کارها به افراد، برتری و پیش افتادگی،

برمیزان شایستگی نامزدان مبتنی خواهد بود. سه مقام دولتی مهم چینی-تقسیم خواهد شد: رئیس جمهوری مسیحی مارونی، نخست وزیر مسلمان سنی و رئیس مجلس نمایندگان مسلمان شیعی خواهد بود.

این منشور هر چند منشور ملی نام گرفت ولی می توان آن را "منشور مارونی" نامید، زیرا به موجب آن رئیس جمهور فقط باید از مارونیها باشد، آنها با توجه به قدرت فراوانی که قانون اساسی به رئیس جمهور می دهد از قبیل برکنار ساختن نخست وزیر و وزیران، فراهم آوردن پیش نویس های قانونی، صدور قوانین، منحل کردن پارلمان و غیره.

اینها همه از یک طرف و تشکیل دولت اسرائیل از طرف دیگر باعث بی ثباتی دولت تشکیل شده لبنان بعد از جنگ جهانی دوم می گردد. مارونیها هم بعد از جنگ اهداف دول اروپایی را تعقیب می کردند تا اهداف ملی را، که نتیجه اش تقسیم لبنان بدو قسمت مسیحی و مسلمان گردید که در جنگهای داخلی از سالهای ۱۹۷۶ به بعد، لبنان را به خاک و خون کشید.

بن گوریون (۴۸)* (اولین نخست وزیر دولت صهیونیسم) نقطه نظرات خود را در مورد لبنان به شرح زیر بیان می کند: لبنان حلقه ضعیف همبستگی اعراب است. حکومت مسلمانان در این کشور - اگر به وجود آید - حالت تصنعی دارد، و ما براحتمی قادر به تضعیف آن و از بین بردنش هستیم. در لبنان باید یک دولت مسیحی روی کار بیاید و مرز جنوبی آن راه رودخانه لیتانی تشکیل دهد. با چنین حکومتی ما بخوبی می توانیم کنار بیائیم و پیمان صلح امضاء کنیم.....

در حقیقت این ها، نقطه نظرات دول اروپایی می باشد که از دیرباز آنها را مد نظر داشته و فعلاً هم دارند تا اگر منافع شان ایجاب کند از آن به نفع خود استفاده کنند.

((پاورقی))

- ۱- لوتسکی : تاریخ عرب در قرون جدید، پرویز بابایی ، ص ۳۶.
- ۲- بلیک جرالده : خاورمیانه ، مدیرشانه چی محسن ، ص ۳۸۵.
- ۳- نیلمان اورس : ماهیت دولت در جهان سوم ، توانمند بهروز ، ص ۱۲۷.
- ۴- همان ، ص ۱۱۵.
- ۵- هویدا فریدون : اعراب چه می خواهند، لاهوتی هوشنگ، ص ۲۵۰.
- ۶- والچینسکی دیوید: از آرژانتین تا یونان ، بهروزی امید ، ص ۲۱۳.
- ۷- ATLAS DE POCHE , PARIS , P.90 .
- ۸- بلیک جرالده: پیشین ، ص ۴۷۳.
- ۹- LONGRIGG, STEPHEN: The Middle - East, Asocial Geography , p.129.
- ۱۰- BORTHWICK , B.M: Comparative politics of the Middle - East , p.124 .
- ۱۱- بلیک جرالده: پیشین ، ص ۴۷۶.
- ۱۲- عیساوی چارلز : تاریخ اقتصادی خاورمیانه و شمال افریقا ، عبدالله کوثری ، ص ۱۱۱.
- ۱۳- آلاسیدیردرا سیدل و جرالده بلیک : جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال افریقا ، میرحیدر دره ، ص ۲۶۶.
- ۱۴- نام این فرقه از کلمه " درزی " معنی خیاط ، مؤسس آن طایفه گرفته شده است. او در ۴۰۸ هـ. به مصر رفت و به دربار خلفای فاطمی راه یافت. این درزی نخستین کسی است که قائل به " الوهیت " الحاکم بامرالله خلیفه فاطمی شد. دروزیه معتقدند منصور بن العزیز بالله المعز لدین فاطمی ملقب به الحاکم بامرالله (۳۷۵- ۴۱۱ هـ .) ششمین خلیفه فاطمی " صورت ناسوتی " خداوند است و او خدای واحد و فرد و صمد و منزّه

از ازواج و عداست و شخص موحد یعنی دروزی چاره‌ای جز اطاعت از مولای جلیل‌الذکر خود ندارد و نباید که در عبادت او کسی را با او شریک بدارد و باید جسم و روح خود را تسلیم او کند و به همه احکام او خشنود و راضی باشد و موحد دروزی کسی است که اقرار کند در آسمان و زمین جزا و خدایی نیست. لذا مردم مصر بر او بشوریدند و وی از بیم رسوایی ناچار به ترک آن سرزمین شد و به شام مهاجرت و در کوه‌های لبنان مستقر شد. مأخذ مشکور محمد جواد: فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۹۳-۱۹۲.

- ۱۵- دژاردن تیری: صد میلیون عرب، مه‌ری حسین، ص ۱۷۸.
- ۱۶- Bates, Daniel: Peoples and Cultures of the Middle - East, p.99.
- ۱۷- بلیک ج‌رالد: پیشین، ص ۴۸۴.
- ۱۸- Borthwick, B.M: OP- Cit, p.135.
- ۱۹- ویاکوف: تاریخ جهان باستان، جلد اول شرق، انصاری - مومنی، ص ۲۱۵.
- ۲۰- بهمنش احمد: تاریخ ملل قدیم آسیای غربی، ص ۲۰۶.
- ۲۱- گوبر: تاریخ مختصر جهان، فرامرزی محمد تقی، ص ۲۸.
- ۲۲- حنا الفافوری - خلیل البحر: تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، آیتی - عبدالمجید، ص ۲۷، جلد ۱.
- ۲۳- حتی فیلیپ: تاریخ عرب، پاینده ابوالقاسم، ص ۱۹۵، جلد اول.
- ۲۴- احمد بن علی الحریری: تاریخ جنگ‌های صلیبی، ناصری طاهری عبدالله، ص ۲۴.
- ۲۵- حتی فیلیپ: تاریخ عرب، پاینده ابوالقاسم، ص ۸۸۵، جلد دوم.
- ۲۶- همان، ص ۹۱۳.
- ۲۷- رابینوویچ: جنگ برای لبنان (۱۹۸۵-۱۹۷۰)، صفائی جواد، ص ۲۰.
- ۲۸- حتی فیلیپ: پیشین، ص ۹۱۵.

- ۲۹ - Odeh, B,J : LeBanon : Dynamics of Conflict, p.32.
- ۳۰ - Ibid , p.35.
- ۳۱- رابینوویچ : پیشین ، ص ۲۱.
- ۳۲- خالدی مصطفی : نقش کلیسا در ممالک اسلامی ، زمانی مصطفی ، ص ۱۶۵.
- ۳۳ - Polk, W: Beginnings of Modernization in the Middle - East. p.207.
- ۳۴ - Ibid. p.214.
- ۳۵ - Ibid. p.216.
- ۳۶ - Labaki, B: La soie dans L'economie Du Mont Liban et de son environnement Arabe(1840 - 1914) , p. 126- 127.
- ۳۷- سمرامین : ملت عرب ، قرچه داغی ، ص ۴۷.
- ۳۸- لوتسکی : پیشین ، ص ۱۱۶.
- ۳۹- بروکلیمان : تاریخ دول وملل اسلامی ، جزایری هادی ، ص ۵۰۶.
- ۴۰- لوتسکی : پیشین ، ص ۱۳۵.
- ۴۱ - Polk.W: OP-CIT , p.38.
- ۴۲- ه . علیزاده : فرهنگ سیاسی لبنان ، معماری محمدرضا ، ص ۲۱.
- ۴۳- لپخافسکی ژرژ : تاریخ خاورمیانه ، جزایری هادی ، ص ۹۷.
- ۴۴- کیکتیف ودیگران : تاریخ معاصر کشورهای عربی ، روحانی محمدحسین ، ص ۴.
- ۴۵- علیزاده : پیشین ، ص ۲۳.
- ۴۶ - Glenn, Perry : The Middle - East, Fourteen islamic centuries , p.225.
- ۴۷- کیکتیف ودیگران : پیشین ، ص ۵۶.
- ۴۸- بال جورج : خطا و خیانت در لبنان ، ابوترابیان حسین ، ص ۲۵.

((کتابشناسی))

- ۱- حتی فیلیپ: تاریخ عرب، پاینده ابوالقاسم، تبریز، حقیقست، ۱۳۴۴، ۱۰۰۹ ص، ۲ جلد.
- ۲- سمیرامین: ملت عرب، فرجه‌داغی، تهران، پژواک، ۱۳۵۹، ۱۴۵ ص.
- ۳- لوتسکی: تاریخ عرب در قرون جدید، بابایی پرویز، تهران، سپهر، ۱۳۴۹، ۴۱۱ ص.
- ۴- بروکلیمان: تاریخ دول و ملل اسلامی، جزایری هادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۸۰۲ ص.
- ۵- کیکنیف و دیگران: تاریخ معاصر کشورهای عربی، روحانی محمدحسین، تهران، توس، ۱۳۶۷، ۶۸۵ ص.
- ۶- بهمنش احمد: تاریخ ملل قدیم آسیای غربی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ۳۶۶ ص.
- ۷- دیاکوف: تاریخ جهان باستان جلد اول شرق، انصاری صادق، مومنی باقر، همدانی علی الله، تهران، نشراندیشه، ۱۳۵۲، ۳۰۵ ص.
- ۸- گوبر: تاریخ مختصر جهان، فرامرزی محمد تقی، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۵۳، ۱۹۹ ص.
- ۹- آلسیدر درایسدل - بلیک جرال: جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، میرحیدر دره، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، ۴۸۳ ص.
- ۱۰- مونت پیتر - بلیک جرال: خاورمیانه، مدیرشانه‌چی - رمضان زاده - آخشینی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ۶۵۶ ص.
- ۱۱- لپخافسکی ژرژ: تاریخ خاورمیانه، جزایری هادی، تهران، اقبال، ۱۳۳۷، ۵۳۹ ص.
- ۱۲- رابینوویچ: جنگ برای لبنان، صفائی، رجبی یزدی، تهران، نشرسفیر، ۱۳۶۸، ۲۳۸ ص.

- ۱۳- علیزاده ه: فرهنگ سیاسی لبنان، معماری، گلسرخی، تهران، سفیر، ۱۳۶۸، ۳۱۳ ص.
- ۱۴- خالدی مصطفی: کلیسا در ممالک اسلامی، زمانی مصطفی، قم، ۱۳۴۷، ۳۳۶ ص.
- ۱۵- هویدا فریدون: اعراب چه می خواهند، لاهوتی هوشنگ، تهران، پازنگ، ۱۳۷۱، ۲۶۳ ص.
- ۱۶- بال جورج: خطا و خیانت در لبنان، ابوترابیان حسین، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶، ۱۶۱ ص.
- ۱۷- تیلمان اورس: ماهیت دولت در جهان سوم، توانمند بهروز، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، ۳۱۵ ص.
- ۱۸- احمد بن علی الحریری: تاریخ جنگهای صلیبی، ناصری طاهری عبدالله، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، ۱۳۲ ص.
- ۱۹- حنا الفافوری - خلیل البحر: تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، آیتی عبدالحمید، تهران، زمان، ۱۳۵۸، ۳۱۶ ص، جلد اول.
- ۲۰- دژاردن تیری: صد میلیون عرب، مهری حسین، تهران، توس، ۱۳۵۷، ۳۶۸ ص.
- ۲۱- والچینسکی دیوید: از آرژانتین تا یونان، بهروزی امید، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸، ۲۸۶ ص.
- ۲۲- مشکور محمد جواد: فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ۵۸۲ ص.
- ۲۳- عیساوی چارلز: تاریخ اقتصادی خاورمیانه و شمال افریقا، عبدالله کوثری، تهران، پاپیروس، ۱۳۶۸، ۳۵۲ ص.
- ۲۴- BRUCE MAYNARD BORTHWICK: COMPARATIVE POLITICS OF THE MIDDLE - EAST ,
NEW JERSEY , ENGLEWOOD CLIFFS , 1980 ,
308 P.

- ٢٥ - BATES, DANIEL: PEOPLES AND CULTURES OF THE MIDDLE - EAST, NEW JERSY-ENGLEWOOD CLIFFS, 1983 , 289 P.
- ٢٦ - LONGRIGG, STEPHEN: THE MIDDLE-EAST, ASOCIAL GEOGRAPHY? LONDON, GERALD DUCK WORTH, 1963 , 291 P.
- ٢٧ - GLENN, PERRY: THE MIDDLE- EAST , FOURTEEN ISLAMIC CENTURIES, NEW JERSEY , ENGLEWOOD CLIFFS, 1983, 350 P.
- ٢٨ - ODEH, B.J: LEBANON, DYNAMICS OF CONFLICT , ZEd BOOKS LTD, LONDON, 1985, 233 P.
- ٢٩ - POLK, WILLIAM: BEGINNINGS OF MODERNIZATION IN THE MIDDLE - EAST , UNIVERSITY OF CHICAGO PRESS, 1968, 427 P.
- ٣٠ - LABAKI, BOUTROS: LASOIE DANS L'ECONOMIE DUMONT LIBAN ET DE SON ENVIRONNEMENT ARABE(1840-1914), IN R, PEUPLES MEDITERRANEENS N° 7 , AVRIL - JUIN 1979 - PARIS .
- ٣١ - ATLAS DEPOCHE _ PARIS , LE LIVRE DEPOCHE 1981 , 178 P.

